

موفق شدن...



گزیده ای از کتاب : شیرینیهای مادر بزرگ شهرزاد....

وجرقه های زندگی یک گمشده کوچک

فروغ طاعتی

موفق شدن...

- مادر بزرگ، چه چیزی باعث میشه که آدم تو کارش موفق نشه؟
- به مانعی برخوردی واسه موفق شدن؟
- من که نه! چون فعلاً کار مهمی رو شروع نکردم... ولی بعضی ها تو کارشون خوب موفق میشند و بعضی ها هم همیشه ناراحتن از اینکه هیچ کاری واسشون ممکن نیست...
- اوه... خیلی چیزها مانع میشن که آدم اولین قدم رو برداره... می دونی، ما آدمای خیلی پیچیده هستیم... ولی توی همین حالت پیچیدگی بعضی ها سعی می کنن که توی مشکل بودن متوقف نشن و ازش بگذرن و توی سادگی فرود بیان، ولی بعضی های دیگه روی برج عاج افکارشون می شینند و یکی یکی "غیر ممکن" ها رو می شمردن... از ترس مشکلات پایین نمی یان. اولین موفقیت اینه که آدم آتش درون و تصمیم محکم خودش رو به حرکت در بیاره... چون این آتش اون زهر انرژی راكد رو که مارو زندونی می کنه می سوزونه... بعد که از این زندون در اومدیم، امکانات بطور غیر قابل تصویری جلومون سبز میشند... آلبرتو ژیاکو مه تی **Alberto Giacometti** مجسمه ساز ایتالیایی می گه:
"اینکه آدم به نتیجه نرسه و یا موفق بشه، در مرحله دومه!..."
منظورش اینه که خود حرکتی که همه...

اونایی که بی حرکت می مونن، مدام در حال شمردن مشکلات و موانع هستند و به همین دلیل زمین و زمان و شرایط همه و همه رو محکوم می کنند که مانع موفقیتشون هستند، "سه نک" **Seneque** یک خردمند بزرگ می گه: «کلاهبرداری و تقلبی که ما نسبت به خودمون مرتکب میشیم اینه که فکر می کنیم امکانات از ما گرفته شده وگرنه ما آدمای درخشانی میشدیم! و با این وجود رفت و آمدمون از این جاده حقه بازی بیش از هر جاده دیگه ای هست.»

یه چیز دیگه ای که نمیداره حرکت رو شروع کنیم، ترسه، ترس از چیزهایی که ممکنه تو جاده تهدیدمون کنه، ترس از موانع... البته بعضی از خطرهای واقعی هستند و باید جلوشونو گرفت ولی اکثرشون تخیلی هستند... یه چیزی رو باید در نظر داشت که همه موانع، یکدفعه سر راه آدم سبز نمی شن، و وقتی که آدم برای برداشتن یک یکشون کوشش می کنه، به این طریق خودش هم قوی تر میشه و تغییر می کنه و دیگه اون

آدم ضعیف در شروع کار نیست. من بارها واست از یک قوی که تو همه سنتها داده شده حرف زدم، **خداوند می‌گه: تو بیا وسط جاده، من میام به کمکت...**

در مورد عدم موفقیت و ناکامی هم باید بدونی که نه تنها اجتناب ناپذیره، بلکه لازمه! خونه ای که توش "شکست" با مهربونی و صبر پذیرفته نشد، "موفقیت" هرگز درشو نمی زنه! چون می دونه که یک صاحبخونه عجول و بی تحمل اونو نابود می کنه.

همیشه از کسی که واسه یک "شکست" تو رو سرزنش می کنه دوری کن!

از همه اینها گذشته، یه چیزی رو فراموش نکن: "موفقیت" یه چیزیه که اجتماع از آدم می خواد و بزرگش می کنه... وگرنه در مقابل خلقت و اسرارش اصلاً مفهوم نداره...

سنت اوگوستن Saint Augustin می‌گه: مسئله موفقیت نیست، مهم اینه که وفادار باشیم!

چه اهمیتی داره که دردها و شکستهامون به چه دلیل و به چه شکلی باشند؟ مهم اینه که از اونا رنگهائی تازه، بی همتا و تقلید ناپذیر بسازیم و تخته رنگمون رو پربارتر و غنی تر کنیم و به نقاشی زندگی ادامه بدیم...

«درستکاری برای رسیدن به نتیجه نیست، بلکه انگیزه اش، خوشنودی و کامیابی در لحظه ایست که به آن می پردازیم.

پاداش کار نیک رسیدن به اوج لذت نیست، بلکه پرداختن به آن است»

اسپینوزا Spinoza

گزیده ای از کتاب: شیرینیهای مادر بزرگ شهرزاد....

وجرقه های زندگی یک گمشده کوچک

فروغ طاعتی